



ویرانی فرهنگی حاصل از حمله و تسلط اقوام وحشی (به خصوص مغول) به کشور ما، چگونگی اداره‌ی مکتب‌خانه‌ها در زمان قاجاریه و تبدیل آنها به مدارس کلاسیک و ایجاد دانشگاه‌ها به جای تحول طبیعی حوزه به دانشگاه (universal) و در نهایت جدایی حوزه و دانشگاه و نیز نداشتن یک سیستم پرورش و آموزش منسجم، و بهره‌گیری از چند سیستمی و مدیریت روزمره به جای مدیریت برنامه‌ریزی شده، حکایتی دردناک دارد.

این پرسش بارها توسط بسیاری از افراد - به ویژه متخصصان رشته‌ی پرورش و تعلیم و تربیت - مطرح شده است که چرا زمانی این کشور (حتی تا قرن هفتم هجری قمری) دارای نوابغ و مشاهیر زیادی مانند ابوعلی سینا، سهروردی، مولوی، سعدی و ... بوده و پس از آن به تدریج تعداد این نوابغ کم و کمتر شده است؟ به نظر می‌رسد پاسخ این پرسش در دو بخش کلی نهفته باشد:

۱- امروزه نیز مشاهیر زنده‌ی زیادی وجود دارند که در انزوا قرار دارند و در حالی که در کشورهای متمدن‌تر و آگاه‌تر به نوشته‌ها و تشعشعات فکری آنان ارج گذاشته می‌شود، لیکن متأسفانه جامعه‌ی ایرانی کمتر از وجود آنها با خبر بوده و یا اصولاً قادر به درک و استفاده‌ی وسیع از ارزش‌های وجودی بی‌جایگزین آنها نیست.

این مسأله تنها منحصر به امروز نیست؛ ملافیض کاشانی، ملاصدرای شیرازی، ملاهادی سبزواری، سهراب سپهری، دکتر محمود حسابی، دکتر غلامحسین صدیقی، دکتر محمد مصدق، دکتر آیت‌اله حسن‌زاده‌ی آملی و ... که در زمان ما زیسته یا در حال حاضر در قید حیات هستند، هنوز از درک جامعه‌ی فعلی خارجند و ارج گذاشتن به آنها بیشتر به تعارفات معمول اجتماعی می‌ماند.

۲- عدم اطلاع از سیستم کهن پرورش و آموزش در ایران (قبل از حمله‌ی مغول) که در آن پرورش و یادگیری آداب زندگی و اهمیت به حق انتخاب افراد برای فراگیری دانش در رشته‌ی مورد علاقه و منطبق با استعدادهایشان، نسبت به حفظ متون خشک درسی (آن هم به زبان عربی یا لاتین) مقدم بوده است، موجب شده که در برنامه‌ریزی‌های متعدد از سیستمی به سیستم دیگر متمایل شده و برای نمونه سیستم‌هایی نظیر: سیستم درسی سالیانه‌ی تک ماده‌یی، سیستم واحدی - ترمی، سیستم واحدی سالیانه و در کنار آنها مدارس حرفه‌یی و فنی و ... و یا بهتر بگوییم قسمتی از تمام آنها و یا هیچ کدام از آنها آزموده شوند.

سیستم پرورش و آموزش: اصلاحات، برنامه‌ریزی، استقلال



نوشته‌ی: دکتر فرامرز قریب

به نظر می‌رسد هر دو فرض صحیح باشند، چرا که وقتی پرورش بر آموزش اولویت نداشته باشد، ناچار مواد درسی نیز به صورت فهمی درک نخواهند شد. بنابراین نه تنها عده‌ی کثیری از دانش‌آموزان و دانشجویان به علت عدم تمایل و عشق به رشته‌هایی که در آنها تحصیل می‌کنند، به جای درک علمی، مدرک آن را خواهند گرفت - و این پدیده خود موجب ایجاد سکون در فراکشیده شدن امواج استعداد و نبوغ آنها خواهد شد - بلکه حتی با عمومیت یافتن بی‌سوادی (با وجود اینکه حتی در رشته‌ی خود فارغ‌التحصیل می‌شوند) فقط درصد کمی از افراد که تصادفاً در رشته‌ی مورد علاقه‌ی خود مشغول به تحصیل شده‌اند، دارای درک و سواد بی‌سواد (عمدتاً غرب) متوسط جامعه و در حد مدرک تحصیلی خود می‌شوند. این عده نیز یا به‌کشورهای دارای متوسط بالاتر جمعیت باسواد (عمدتاً غرب) مهاجرت نموده و یا در جامعه‌ی خود به سر می‌برند و روشنایی آنها پس از مرگ و یا در طی سال‌های زندگی آنان در تنهایی و عدم وجود احترام و درک جامعه نسبت به آنان، پرتو خواهد افکند.

اگر افراد جوامع بشری را از نظر میزان استعداد در سه گروه زیر تقسیم‌بندی نماییم، لزوم حضور تمامی این طبقات برای ساختار مجموعه‌ی انسانی بزرگ‌تری به عنوان جامعه‌ی زنده و پویا نمایان است. این سه گروه عبارتند از:

- بینندگان یا عارفان "Men of The Vision"

- دانشمندان یا علما و دانشمندان "Scientists"

- سازندگان یا صاحبان مهارت "Technicians"

"بینندگان" با برخورداری از الهامات و قدرت تخیل قوی، وظیفه‌ی ساختن ایده‌آل‌های مختلف جامعه‌ی بشری را به طور کلی و یا در رشته‌ی خاصی از هنرها به عهده دارند. پیامبران و ائمه‌ی معصومین در ادیان مختلف ارائه‌کنندگان ایده‌آل‌های کلی و هنرمندان و نویسندگان، طراحان، معماران ... هر کدام دارای رسالتی محدودتر لیکن منجیان بشر در زمینه‌ی الهامات خود بوده و هستند^۱.

لازمه‌ی حفظ طبقه‌ی به نام بینندگان و طراحان که دارای ایده‌ها و آرزوهایی هستند که از طریق الهامات برای بشریت به ارمغان می‌آورند، وجود نوابغ طبقات دیگر از جمله دانشمندان (علما یا دانشمندان) و سازندگان (مجریان) و یا دارندگان مهارت‌های عملی ذهنی) را ملموس می‌نماید. در غیراین صورت طبقه‌ی ایدئولوژیست جامعه (دانشمندان) نه تنها در به اجرا در آوردن الهامات خود موفق نخواهند بود، بلکه یا هجرت کرده و یا در خود جامعه محبوس و مدفون می‌شوند^۲.

پرورش:

اگر اولویت پرورش به آموزش تاکنون از نظرها مخفی مانده است، شاید علت آن را بتوان در بدیهی بودن موضوع جستجو نمود.

● **نه تنها عده‌ی کثیری از دانش‌آموزان و دانشجویان به علت عدم تمایل و عشق به رشته‌هایی که در آنها تحصیل می‌کنند، به جای درک علمی، مدرک آن را خواهند گرفت - و این پدیده خود موجب ایجاد سکون در فراکشیده شدن امواج استعداد و نبوغ آنها خواهد شد - بلکه حتی با عمومیت یافتن بی‌سوادی (با وجود اینکه حتی در رشته‌ی خود فارغ‌التحصیل می‌شوند) فقط درصد کمی از افراد که تصادفاً در رشته‌ی مورد علاقه‌ی خود مشغول به تحصیل شده‌اند، دارای درک و سواد بی‌سواد (عمدتاً غرب) متوسط جامعه و در حد مدرک تحصیلی خود می‌شوند. این عده نیز یا به‌کشورهای دارای متوسط بالاتر جمعیت باسواد (عمدتاً غرب) مهاجرت نموده و یا در جامعه‌ی خود به سر می‌برند و روشنایی آنها پس از مرگ و یا در طی سال‌های زندگی آنان در تنهایی و عدم وجود احترام و درک جامعه نسبت به آنان، پرتو خواهد افکند.**

چنانچه در مقاله‌های قبلی نیز گفته شد، کشف جاذبه توسط نیوتن بسیار دیرتر از کشف آتش توسط بشر صورت گرفت. چرا که سقوط سیب‌ها از روی درختان یک امر طبیعی و بدیهی به نظر می‌رسید ولی ایجاد آتش‌سوزی و حریق توسط صاعقه یا آتشفشان، در دنیای تاریک و مه‌آلود عصر حجر، تصادفی و توجه‌برانگیز جلوه می‌نمود.

آنچه که می‌تواند و می‌باید آدم‌های زمانه را آماده‌ی درک و فهم نتایج حاصله از بدیهی‌ترین رخدادهای روزانه‌ی زندگی کند، پدیده‌ی "پرورش" است.

"پرورش"، رشد علائق و استعدادهای افراد از طریق اهمیت دادن به خواست‌های آنها، به صورت فردی و اجتماعی و همراه با آموزش کلاسیک در زمینه‌های جسمی و روحی است.

در صورتی که تجربه و فراگیری تدریجی را به عنوان اصل اولیه‌ی پرورش نادیده گرفته و با بی‌توجهی آن را کنار بگذاریم، افراد جامعه به خصوص کودکان، نوجوانان و جوانان را به آموزش کلاسیک محدود نموده و آنان را بالاجبار به حفظیات - به جای درک مفاهیم -

گرایش داده و با بهره‌گیری از روش‌های غیرانسانی و تحکم‌آمیز به بارکشان کمیات کتب مختلف و فصول مفصل ادبی و علمی تبدیل می‌نماییم. در این حال آنان به جای درک کیفیات در زمینه‌ی استعدادهای گوناگون‌شان و به کارگیری در زندگی فردی و اجتماعی آینده، به افرادی با روحیه‌ی خشن و تنفر از زندگی و درس و یادگیری تبدیل می‌شوند. شاید در این گونه روش‌های غیرعقلانی و انسانی، کسانی که به این مدارس و با روش‌های اجباری تدریس نرفته‌اند، دارای شانس فراگیری و آموزش بیشتری باشند؛ زیرا کسانی که از این گونه آموزش‌های زورمدارانه برخوردار می‌شوند، از درس و مدرسه و علایق خود برای تمام عمر گریزان خواهند شد، لیکن آنهایی که به مدرسه نرفته‌اند یا کمتر تحت اجبار قرار گرفته‌اند، شاید هنوز کمی از علایق آنها زنده مانده باشد. بیشتر نوابغ این جوامع از آن دسته افرادی هستند که به علت‌های بسیار نادر توانسته‌اند از فیض آموزش ادب‌اری و اجباری بگریزند و شاید به همین دلایل، بیشتر آنها دارای تحصیلات کلاسیک نیستند و بیشترین زمینه‌های یادگیری و مطالعاتی آنها براساس تمایلات شخصی صورت گرفته است. جهت روشن شدن بیشتر موضوع (پرورش و سپس آموزش) به ذکر ساختاری مثالی که

۱. نمونه‌ی این گروه ژول ورن نویسنده‌ی معروف فرانسوی است که سفر به ماه را طراحی نمود و اندیشه‌های او پس از یک قرن توسط دانشمندان (دانشمندان) و سازندگان (مهندسان و تکنسین‌های مختلف) به واقعیت پیوست.

۲. طبقه‌ی بیننده یا ایدئولوگ (Ideolog) با توجه به درک وسیع از فرهنگ، احساس تعهد به راهنمایی جامعه و علت نزدیکی به الهامات الهی، کمتر به خارج از وطن خود هجرت می‌نمایند. روشنفکران واقعی تعبیر دیگری از افراد همین طبقه هستند که اصولاً مایل به ترک بستر فرهنگی خود نیستند و دل‌بستگی آنها به سنت‌های فرهنگی خود کم از جان بستگی فداکارانه نیست.

سنگین دولتی می‌نمایند، مورد بررسی بیشتری قرار داده و محاسن و معایب آن را در مقایسه و سنجش عادلانه با یکدیگر، مطالعه نمود.

سیاست رسانه‌های آزاد گروهی:

بودجه: بودجه‌ی انتشارات و هزینه‌ی تولید خدمات و مطالب این رسانه‌ها، توسط مردم تأمین می‌شود. نیروی کارآمد: مسلماً نیروهای به کار گرفته شده در این زمینه از سطح سواد و معلومات و سلامت روحی بیشتری برخوردارند، لذا اطلاعات و تحلیل آنها مقرون به صحت و دارای قابلیت اعتماد بیشتری است.

ارتشا در این گونه افراد کمتر از افراد با معلومات و اعتبار کمتر اجتماعی است و در صورت انتشار اخباری که قابلیت اثبات نداشته باشد، ملزم به پرداخت دیه و خسارات در مقابل اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولت مردان و عامه‌ی مردم هستند، بنابراین برای انتشار این گونه رسانه‌ها لزوم پوشش بیمه مسؤلیت شرط اساسی است و در صورت ایجاد خسارت‌های پیاپی و عدم تمایل بیمه برای قبول ریسک، آن رسانه تعطیل خواهد شد که این امر، روزنامه‌ها را ملزم به کنترل عملکرد خود

نموده و باعث می‌شود از انتشار اخباری که به صداقت آنها یقین کامل یا نسبی ندارند و یا قابلیت اثبات آن را ندارند، خودداری شود. ولی مطالبی را که صحت آنها بر آنان اثبات شده، با کمال شجاعت برای جلب طرفداران خود منتشر نمایند.

استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی گسترده‌ی دولتی:

بودجه: بودجه توسط دولت مرکزی یا به طریق ایجاد مؤسسات و شرکت‌های مختلف که مدیران آنها، آشکارا فعالیت نکرده و حتی لازم است از کمک انحصارات دولت برخوردار شوند، تأمین شده و به علت کثرت مستخدمان، باعث ایجاد ترس و ناامنی حرفه‌یی و اجتماعی می‌شوند.

معمولاً نیروی انسانی استفاده شده، از کیفیت روانی و تحصیلی خوبی برخوردار نیستند. برای تعداد کمی از پست‌های بالای سازمانی می‌توان از افراد تحصیل کرده و سالم استفاده نمود ولی بقیه، با توجه به تعداد خیلی زیاد آنها و نیاز به بودجه‌یی گزاف، افرادی با سواد کم که از احساسات افراطی و حس ماجراجویی برخوردار بوده و یا سلامت روانی آنها پایین‌تر از حد تمیز و تشخیص اطلاعات است، استفاده می‌شود. امکان فساد مالی و ارتشا در این گونه افراد به علت برخوردار بودن از اعتبار پایین اجتماعی محتمل‌تر بوده و به علت برخورداری از حمایت قدرت بزرگی مانند دولت، مردم قادر به شکایت از آنها نیستند و با داشتن این قدرت، می‌توانند حتی قوه‌ی قضاییه را نیز تحت فشار قرار داده، موجب قضاوت ناسالم و فروپاشی قوه‌ی قضاییه و دادگستری شوند که این امر خود به تنهایی می‌تواند موجبات فروپاشی نظام را فراهم آورد.

صحت عملکرد این سازمان‌ها به علت گستردگی نیروی انسانی و عدم ارتباط

● یکی از ارکان بسیار مهم و با اهمیت رسانه‌های عمومی که تأثیر زیاد و نقشی وسیع در پرورش عمومی داشته و در دسترس همگان قرار دارد، روزنامه‌ها هستند. اگر تصور کنیم که روزنامه‌ها از سطح انتشار محلی در یک شهر تا روزنامه‌های استانی و کشوری بنا به نوع و موضوع فعالیت‌های مختلف آنها منتشر شوند، شاید به جرأت بتوان گفت که حتی سازمان‌های حکومتی اعم از پلیس محلی یک شهر تا پلیس ملی (کشوری) و حتی سازمان‌های اطلاعاتی و آماری، با هزینه‌ی خود مردم و به دموکرات‌ترین روش‌ها، از بزرگ‌ترین استفاده‌کنندگان اطلاعات و اخبار این گونه انتشارات خواهند بود. با استفاده از این "بازخورد اطلاعاتی" مشکلات ناشی از اعمال سیاست‌های مختلف را می‌توان برطرف و در زمینه‌ی بهینه‌سازی این سیاست‌ها و افزایش سلامت روانی جامعه و جلوگیری از خطرات موجود علیه جان و روان مردم آن کشور در طبقات مختلف، در جهت تعالی جامعه، اقدام نمود.

براساس فرهنگ و پیشینه‌ی تاریخی کشورمان طراحی شده است می‌پردازیم تا شاید بتوان تا حدودی ثابت نمود، در صورتی که با آسان‌گیری به کودکان و نوجوانان و توجه به علایق آنها، پاسخگویی به پرسش‌های آنها را جایگزین دیکته نمودن حجم زیادی از جواب‌ها کنیم، نیازی به مدارس تیزهوشان و ... نخواهیم داشت، بلکه اکثر بچه‌هایی که از لحاظ جسمی سالم به دنیا آمده‌اند، می‌توانند در صورت پرداختن به زمینه‌ی استعداد‌های خود به افرادی تیزهوش تبدیل شوند و آنهایی که مشکلات مادرزادی دارند نیز، دارای قابلیت‌های بیشتری شوند. لذا اگر امر پرورش به عنوان پدیده‌یی حیاتی و مقدم بر آموزش در تمام زمینه‌های فردی و اجتماعی شروع شود و همزمان با آن، سازمان‌های اجتماعی و روابط آنها با یکدیگر طراحی و تبیین گردند، می‌توان گفت برای این امر، اقدامی عملی و منظم شروع شده است.

پرورش اجتماعی

الف - نقش رسانه‌های گروهی

نقش رسانه‌های عمومی در افزایش اطلاعات عمومی مردم و تأمین پرورش و روشن نمودن افکار عمومی پیرامون حقایق و رخداد‌های سیاسی و اقتصادی جامعه برای تمامی روشنفکران و حتی حکام و سازمان‌های پلیسی کشورهای پیشرفته کاملاً روشن است. این وظیفه‌ی سنگین بر دوش روزنامه‌ها، مجلات و یا سازمان اطلاع‌رسانی میلیونی قرار دارد.

یکی از ارکان بسیار مهم و با اهمیت رسانه‌های عمومی که تأثیر زیاد و نقشی وسیع در پرورش عمومی داشته و در دسترس همگان قرار دارد، روزنامه‌ها هستند. اگر تصور کنیم که روزنامه‌ها از سطح انتشار محلی در یک شهر تا روزنامه‌های استانی و کشوری بنا به نوع و موضوع فعالیت‌های مختلف آنها منتشر شوند، شاید به جرأت بتوان گفت که حتی سازمان‌های حکومتی اعم از پلیس محلی یک شهر تا پلیس ملی (کشوری) و حتی سازمان‌های اطلاعاتی و آماری با هزینه‌ی خود مردم و به دموکرات‌ترین روش‌ها، از بزرگ‌ترین استفاده‌کنندگان اطلاعات و اخبار این گونه انتشارات خواهند بود. با استفاده از این "بازخورد اطلاعاتی" مشکلات ناشی از اعمال سیاست‌های مختلف را می‌توان برطرف و در زمینه‌ی بهینه‌سازی این سیاست‌ها و افزایش سلامت روانی جامعه و جلوگیری از خطرات موجود علیه جان و روان مردم آن کشور در طبقات مختلف، در جهت تعالی جامعه اقدام نمود.

برای درک مزایای استفاده از مطالب رسانه‌های گروهی آزاد و دریافت بازخورد اطلاعاتی صحیح، می‌توان آثار انتشارات آزاد رسانه‌ها در کشورهای پیشرفته را با کشورهای عقب‌مانده که با اعمال روش‌های سانسور و یا تعطیلی این رسانه‌ها، سعی در کسب اطلاعات از طریق سازمان‌های مختلف اطلاعاتی با استخدام نیروهای انسانی زیاد و تخصیص بودجه‌های

● از مهم‌ترین سرمایه‌گذاری‌هایی که کشورهای جهان سوم می‌توانند جهت پرورش و تعالی اجتماع به آن اهتمام ورزند، سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی اکتشاف و بازسازی شواهد باستانی کشورشان است، تا با دسترسی به پیشینه‌ی تاریخی و جغرافیایی سیاسی و مردمی خود، بتوانند با دقت تمام دریابند چه کسانی بوده‌اند و در حال حاضر در محدوده‌ی چه مختصاتی قرار گرفته‌اند. مسلماً بدون اطلاع از جایگاه فردی و ملی گذشته، برنامه‌ریزی برای تشخیص اهداف آینده و نیل به سوی آنها غیرممکن خواهد بود.



گمراهی مردم می‌شوند. چه بسیاری اقوام بزرگی که یکسره از صفحه‌ی زمین محو شده‌اند و هیچ کس را نیز به راز حضور و صعود و سقوط آنها دسترسی نیست. در صورتی که با تطبیق نوشته‌ها با آثار باستانی کشف شده، می‌توانیم از آنچه باعث ارتقا و تعالی آنها و یا شکست و سقوط آن جوامع شده است، مطلع شویم.

از مهم‌ترین سرمایه‌گذاری‌هایی که کشورهای جهان سوم می‌توانند جهت پرورش و تعالی اجتماع به آن اهتمام ورزند، سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی اکتشاف و بازسازی شواهد باستانی کشورشان است، تا با دسترسی به پیشینه‌ی تاریخی و جغرافیایی سیاسی و مردمی خود، بتوانند با دقت تمام دریابند چه کسانی بوده‌اند و در حال حاضر در محدوده‌ی چه مختصاتی قرار گرفته‌اند. مسلماً بدون اطلاع از جایگاه فردی و ملی گذشته، برنامه‌ریزی برای تشخیص اهداف آینده و نیل به سوی آنها غیرممکن خواهد بود. با توجه به اینکه حجم سرمایه‌گذاری مورد نیاز در این زمینه، بسیار زیاد و حتی هزینه‌ی انجام آن در بعضی از موارد بیش از هزینه‌های زیربنایی در کشور است، لذا جهت انجام این اقدامات، استفاده از موزه‌ها و کارشناسان خارجی معتبر که حاضر باشند طبق شرایط و قوانین موجود در این امر سرمایه‌گذاری کرده و خدمات خود را از محل اکتشافات و یا درآمد موزه‌ها و ایجاد اماکن توریستی در آنجا بازیافت نمایند، ممکن شده و نگرانی از به تاراج رفتن سرمایه‌های باستانی را، در صورت تحلیل منطقی و حساب شده از مسائل و نظارت هر شهر و استان نسبت به

میراث فرهنگی خود، به دنبال نخواهد داشت. با احیای فرهنگ و تاریخ واقعی ملی می‌توان آگاهی خود را، نسبت به آنچه بوده‌ایم و جایگاهی که در آن قرار گرفته‌ایم مورد ارزیابی دقیق قرار داده و راه حصول به آنچه را که می‌خواهیم تحصیل نماییم یافته و چراغ روشنی فرا راه آینده‌ی خود برافروزم.

منافع سازمان با حقوق مالی و اعتباری کارکنان آنها قابل کنترل نبوده و برای کنترل این سازمان‌ها، شاهد تشکیل سازمان‌های جدید برای نظارت بر دیگر سازمان خواهیم بود که به همان دلایلی که توضیح داده شد، کنترل‌ها به سطح بسیار نازلی کاهش خواهد یافت.

برتری‌های استفاده از رسانه‌های آزاد گروهی، در دیگر زمینه‌های اطلاع‌رسانی از قبیل نشر کتاب و مقاله‌های تحقیقی و مجلات تخصصی و ... نیز صادق است و چنانچه قبلاً گفته شده، این رسانه‌ها بدون آنکه تحمیلی برای بودجه‌ی دولت باشند، امر اطلاعات‌رسانی به کل جامعه و پرورش جامعه را به عهده دارند که لازم است، از حمایت‌های مالی و مالیاتی هم برخوردار شوند.

با استفاده از سیاست رسانه‌های آزاد گروهی، دولت بودجه‌ی خود را صرف استخدام محدود افرادی برای خدمت در سیستم‌های اطلاعاتی می‌نماید که از لحاظ کیفی (تحصیلات، سلامت روانی و جسمی) در سطوح بالاتر اجتماعی قرار داشته و بتوانند اطلاعات به دست آمده از منابع مختلف و رسانه‌های آزاد عمومی را تجزیه و تحلیل نموده و نتایج را به مسئولین جهت تصمیم‌گیری گزارش نمایند. بدیهی است با توجه به تعداد محدود این افراد، امکان پرداخت حقوق مکفی و دادن تسهیلات و امکانات مناسب به آنها ممکن خواهد شد.

ب - احیای میراث فرهنگی

چنانچه فعالیت‌های سازمان میراث فرهنگی و اداره‌ی باستان‌شناسی را در قبل و بعد از انقلاب مورد بررسی

قرار دهیم، انصافاً باید از تمامی آنهایی که در این زمینه‌ها اعم از دولت‌مردان یا افرادی که به عنوان متخصص جهت اکتشاف و حفظ و نگهداری آثار و علائم و فنون و ویژگی‌های فرهنگی این ملت و (ایران فرهنگی)^۱ اهتمام ورزیده‌اند، قدردانی نماییم.

مطالعه‌ی تواریخ مکتوب، در صورتی راهگشای آینده‌ی ملت‌ها است که توأمأ با شواهد باستان‌شناسی بررسی و مورد تطبیق قرار گیرد.

چه بسا متون تاریخی که به سبب فقدان بررسی‌های تطبیقی لازم، وجود اطلاعات نادرست و یا نقطه‌نظرهای تحمیلی نویسنده، دارای تفاوت‌های فاحشی با واقعیت‌های گذشته بوده و نه تنها راهگشا نبوده، بلکه موجب

۱. «ایران فرهنگی شامل کل کشورهای فارسی‌زبان و متأثر از فرهنگ ایران می‌شود و محدود به جغرافیای فعلی کشور ما نیست» به نقل از: کتاب «مجموعه مقالات فقهی و اجتماعی» تألیف جناب آقای دکتر حاج نورعلی

اگر چه به نظر می‌رسد، سیستم پرورش و آموزش هماهنگ شده دارای تفاوت‌های اساسی با سیستم کلاسیک و حوزوی است، لیکن از بسیاری جهات، مزایای نظم سیستم کلاسیک و روح سیستم حوزوی در آن ملاحظه می‌شود.

برای درک بهتر موضوع، سیستم آموزشی موجود با فرض آن که باید روش پلکانی و نحوه آموزش دروس از کم به زیاد و از ساده به پیچیده و متناسب با سنین مختلف نوجوانان و جوانان باشد، تعدیل و ساده سازی نموده و در جدول شماره (۱) آورده و با سیستم هماهنگ شده مقایسه گردیده است.

به این ترتیب شاید بتوان با درک اولویت پرورش بر آموزش مجدداً سیستم موجود را زاینده و بارور نماییم تا نه تنها مشاهیری، نظیر دوران قبل داشته باشیم، بلکه و یا به تعبیر بهتر، مشاهیر زنده‌ی زمان موجود را، قدر دانسته و

آنها را از انزوا خارج نموده و از وجود پر وجود آنان، شمع زندگی را شعله‌ور کنیم.

در این دیدگاه جدید (سیستم هماهنگ شده) هر نوع پرورش فکری و جسمی از ابتدا دارای ارزش و نام بوده و لزوماً کلاس اول را کلاس صفر (آمادگی) و کلاس دوم دبستان مقدماتی (پیش دبستانی) اطلاق نکرده و به همین میزان نیز برای آنها اعتبار قائل خواهیم بود.

آموزش در سازمان‌های دولتی:

آموزش در سازمان‌ها و ادارات دولتی به منظور شروع کار و یا ارتقای افراد و کارکنان به رده‌ی شغلی بالاتر به دو صورت انجام می‌پذیرد:

- ۱- آموزش کلاسیک
- ۲- آموزش در حین کار (خودکار)

۱- آموزش کلاسیک

چنانچه دستورالعمل‌های اجرایی شرکت ملی نفت ایران را مطالعه نماییم (به خصوص قبل از انقلاب اسلامی) مشاهده خواهیم کرد، هیچ یک از افراد جدید

● با احیای فرهنگ و تاریخ واقعی ملی می‌توان آگاهی خود را، نسبت به آنچه بوده‌ایم و جایگاهی که در آن قرار گرفته‌ایم مورد ارزیابی دقیق قرار داده و راه حصول به آنچه را که می‌خواهیم تحصیل نماییم یافته و چراغ روشنی فراراه آینده‌ی خود برافروزیم.

● افرادی که در زمینه‌هایی غیر از علایق و استعداد‌های ذاتی، اجباراً تحت تعلیم قرار می‌گیرند، نه تنها به سلاح علم مجهز نمی‌شوند، بلکه بودجه‌ی مصروف شده و عمر آنها عملاً به هدر رفته است. شاید یکی از دلایلی که اکثر افراد تحصیل کرده اعتقاد و ایمانی به تخصص و شغل خود ندارند، ناهنجاری موجود در امر آموزش کلاسیک و عدم امکان پرورش استعدادها و هدایت آنها به رشته‌ی تحصیلی مورد علاقه‌شان باشد.

عمومی ارزش ویژه‌ی ظاهری و معنوی خواهد یافت، دارای نقصانی اساسی است.

۲- رسوم کهن ایران اعم از نوروز^۱ و چهارشنبه سوری (جشن) حکایت از یکتاپرستی و اعتقاد به فانی بودن دنیا و قیامت و معاد دارد.

۳- جشن‌های مهرگان و نوروز از عمده جشن‌های شکرگزاری ایرانیان است که متأسفانه ارزش و کیفیات آنها در خاکستر جهل و نادانی قرار گرفته، و الا نام تمام ماه‌های ایرانی مصادف با جشن‌هایی به همان نام بوده است. نمونه‌ی روشن این ناآگاهی از جانمایه‌ی اصلی جشن‌ها و معتقدات ملی ما اجرای مراسم چهارشنبه سوری است که در مورد آن از حضرت امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که در رابطه با جشن چهارشنبه‌ی آخر سال ایرانیان فرمودند: اینان آتش‌پرست نیستند بلکه گذشتن از روی آتش را براساس اعتقاد به روز قیامت و گذشتن تمام انسان‌ها از روی پل صراط و آتش جهنم انجام می‌دهند، اما متأسفانه نسل حاضر از گذشته‌ی خود بیگانه است.^۲

جشن مهرگان نیز که از مهم‌ترین مراسم ایرانیان باستان بوده فلسفه‌ی وجودی جذابی دارد. این جشن در نزدیکی هر چند شهر و در محل مخصوصی که به آن اختصاص داشت^۳ در پایان فصل برداشت برگزار می‌شد. هدف از برگزاری این جشن، در وهله‌ی اول شکرگزاری از نعمات خداوند متعال و در کنار آن ابراز خرسندی از برداشت محصولات و تشکر از زحمات یکدیگر نیز وجود داشت.

پرورش فردی:

یکی از مهم‌ترین روش‌های پرورش روان و استعداد‌های فردی، افزایش معلومات جامعه از طریق آموزش کلاسیک^۴ برای رشد زمینه‌های علایق و کشف تمایلات نهانی افراد خواهد بود. افرادی که در زمینه‌هایی غیر از علایق و استعداد‌های ذاتی، اجباراً تحت تعلیم قرار می‌گیرند، نه تنها به سلاح علم مجهز نمی‌شوند، بلکه بودجه‌ی مصروف شده و عمر آنها عملاً به هدر رفته است. شاید یکی از دلایلی که اکثر افراد تحصیل کرده اعتقاد و ایمانی به تخصص و شغل خود ندارند، ناهنجاری موجود در امر آموزش کلاسیک و عدم امکان پرورش استعدادها و هدایت آنها به رشته‌ی تحصیلی مورد علاقه‌شان باشد.

ج - جشن‌ها و مراسم ملی و مذهبی:

عزاداری‌های مذهبی سال‌های درازی است که در ایران مرسوم بوده و اجتماعات شیعه - به ویژه شیعیان مذهب جعفری اثنی عشری - از فواید روانی و روحی آنها بهره‌مند بوده‌اند. لیکن در مقایسه مفهوم و عظمت آنها به دلایل زیر، کارهای فرهنگی ناچیزی تا پیش از برپایی حکومت اسلامی انجام شده است که متأسفانه حتی پس از انقلاب اسلامی نیز هنوز از لحاظ کیفی می‌توان گفت در آغاز راه هستیم. اشاره به برخی از جشن‌ها و مراسم کهن ایرانیان و فلسفه‌ی وجودی آنها نشان‌دهنده‌ی میزان اهمیت و اعتبار آنان در فرهنگ این مرز و بوم است، از جمله:

۱- اصولاً افسوس خوردن بر ناچیزی خود در مقابل خداوند متعال، بدون شکر نعمت‌های او که با برگزاری جشن‌های

۱. عبارت "یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال، ..." را می‌توان به صورت تأیید آشکار حضرت امام صادق (ع) بر این رسم کهن ایرانی دانست.

۲. به نقل از بحارالانوار چاپ مؤسسه‌ی آخوندی - جلد ۵۹ - صفحه‌ی ۴۱ تا ۴۶
۳. حتی در حال حاضر نیز شواهد و آثار این گونه اماکن در روستاهای کشور باقی است که در محل مخصوصی کشتی‌های محلی و یا بازار روز و جنگ گاوهای نر و مراسمی از این قبیل سالیانه برگزار می‌شود.

۴. آموزش کلاسیک: همانگونه که از نام آن قابل درک است و تمام کشورهایی که مبتکر این روش بوده‌اند نیز در درک معنی مشترک آن متفق القول هستند به معنی آموزش پلکانی و تدریجی است یا به تعبیر دیگر آموزش از ساده به پیچیده و از سبک به سنگین، نه آن که درس‌های فلسفی و منطقی پیچیده را در ابتدای سیستم آموزشی خود قرار داده و سپس درس‌ها و متون ساده‌تر را آغاز کنند.

جدول شماره ۱ (۱): مقایسه‌ی سلسله مراتب تحصیلی ایران در زمان حاضر با سلسله مراتب تحصیلی هماهنگ شده

● جهت احیای فرهنگ ملی (استاد، شاگردی) ضروری است هر یک از کارکنان نامزد ارتقا به پست‌های بالاتر در ابتدا (باید و حداقل) دو نفر از کارکنان واحد خود را جهت تصدی شغل فعلی خود معرفی کنند، در این روش به علت آنکه ارتقای مقام هیچ‌کس بدون معرفی افراد واجد شرایط برای تصدی شغل کنونی او امکان پذیر نیست، تمام افراد ملزم خواهند شد دست کم به علت انگیزه‌ی فردی هم که شده افرادی را در واحد خود به خوبی آموزش داده و آماده‌ی پذیرش پست فعلی خود کنند.

بدیهی است این امر برای تمامی افراد تقریباً یکسان است و سطح آموزش حین کار تا میزان حتی ۹۰ درصد معلومات لازم برای تصدی مشاغل را افزایش خواهد داد و بقیه‌ی آموزش‌های مورد نیاز پرسنل نیز از طریق آموزش کلاسیک به آنها ارائه می‌شود.

شغل نامبرده شده، و اگر اشتباه یا خطایی انجام دهد، مسئولیت آن علاوه بر خود او و تأثیرگذاری بر روند ارتقای حرفه‌ی او متوجه مافوق او نیز که در آن زمان مشغول آموزش است و با معرفی او جهت اشغال پست خود به طور طبیعی مسئولیت و یا بخشی از مسئولیت خطاهای حرفه‌ی او را نیز پذیرفته است، خواهد بود ●

استخدام و یا افرادی که دارای شرایط ارتقا به پست‌های بالاتر بوده‌اند، بدون گذراندن موفقیت‌آمیز دوره‌های آموزشی مربوط به آن مسئولیت، استحقاق ارتقا را پیدا نمی‌کردند و معمولاً در مدت گذراندن این دوره‌ها هنوز در وضعیت بینابین مسئولیت قبلی و بعدی قرار داشتند. برای روشن‌تر شدن موضوع به شرح آموزش خودکار می‌پردازیم:

۲- آموزش حین کار (خودکار)

جهت احیای فرهنگ ملی (استاد، شاگردی) ضروری است هر یک از کارکنان نامزد ارتقا به

پست‌های بالاتر در ابتدا (باید و حداقل) دو نفر از کارکنان واحد خود را جهت تصدی شغل فعلی خود معرفی کنند، در این روش به علت آنکه ارتقای مقام هیچ‌کس بدون معرفی افراد واجد شرایط برای تصدی شغل کنونی او امکان پذیر نیست، تمام افراد ملزم خواهند شد دست کم به علت انگیزه‌ی فردی هم که شده افرادی را در واحد خود به خوبی آموزش داده و آماده‌ی پذیرش پست فعلی خود کنند.

بدیهی است این امر برای تمامی افراد تقریباً یکسان است و سطح آموزش حین کار تا میزان حتی ۹۰ درصد معلومات لازم برای تصدی مشاغل را افزایش خواهد داد و بقیه‌ی آموزش‌های مورد نیاز پرسنل نیز از طریق آموزش کلاسیک به آنها ارائه می‌شود.

در مدتی که فرد مورد نظر جهت ارتقا، مشغول آموزش کلاسیک است، (به نسبت مدتی که دوره در نظر گرفته شده است) جانشین معرفی شده و انتخاب شده (یکی از دو نفری که معرفی شده‌اند) به صورت موقتی به جای او متصدی

خوشبختی بر سه ستون استوار است:
فراموش کردن گذشته، غنیمت شمردن حال،
و امیدوار بودن به آینده.

(موریس مترلینگ)